

ضایعات خونه یا مغازه خودم را جابه‌جا کنم و داخل ۱۰۰ متری باشم، فیلم‌برداری میکنم و نگاه تکنیکه که من با خانواده توی ماشین هستم. مدارک من رو گرفتن و گفتن بیا سازمان باز یافت و بسماند. آخه این چه وضعیتی؟ کسی نیست جلو اینا رو بگیره که این قدر اذیت نکنن؟ شهرداری میگه بیا سازمان پول بده و مجوز بگیر یعنی با پول میشه، بدون پول نمیشه. خب مگه من چقدر خونه‌ام آزاد یعات جمع میشه که چند میلیون تومن بدم برای مجوز؟ خواهش میکنم رسیدگی بشه.

من در محله حسینی آباد مشهد زندگی میکنم، یک نونایی در محله خشتنودی هست که بارها رفتم برای خرید نون، با اینکه کسی توی صف نبوده، کارت رو دیر گرفته و یک عالم نون هم لتیار میکنه و نمیده به کسی چون نون‌ها رو بسته‌بندی میکنه و آزاد میره میفروشه. لطفاً این رو پیگیری کنید حتماً خیلی هم رفتار کسی که نون میده، بی ادبانه است و بارها نون رو پرت کرده جلومردم. لطفاً پیگیری کنید.

سلام، وقتشون به خیر. لطفاً به مسئولین بگید اگه باری از دوش مردم بیچاره برنیزدارن، سربارشون نشن، اینکه اعلام کردن ت ۳ آبان ما موگرافی توی چند تا بیمارستان رایگان انجام میشه، دروغ بود. من نزدیک ۵۰۰ هزار تومن پول اسنب دادم به هر بیمارستانی که گفته بودن، رفتم؛ اما رایگان نبود و بهم گفتن به این حرفا اعتماد نکن خانم. در نهایت ۵۰ تا مریض رو رایگان می‌بینیم.

سلام، وقت به خیر. من خانی هستم چهل ساله که ۱۴ ساله ازدواج کردم و دو فرزند دختر چهارده و هشت ساله دارم. همسر کارگر ساده هستند با حقوق ۱۵ میلیون تومانی. خواستم بگم واقعاً انصاف هست حقوق شوهر من این قدر باشه؟ خونه مستأجری هست و ماهیانه ۷ میلیون تومن کرایه میدیم. با هزار قسط تو تسنم رهن خونه رو جور کنم که الان تمام حقوق شوهرم برای قسط میره و حتی یک چیزی باید رو حقوق بذاریم و هیچی برای خودمون نمیمونه. دخترام بزرگ شدن و هر روز گله و شکایت دارن، با این گرونی و خرج و مخارج با این اوضاع بگید ما چکار کنیم که شوهرم شرمندۀ دخترانش نشه؟

چرا این دفعه یارانه ما رو نریختند؟ ما دهک پنج بودیم همیشه یکم واریز میشد. ولی این بار هنوز یارانه من رو نریختند. پسر من مهد میره، قرار شد پول یارانه برای مهد پسر من باشه. حالاکه نریختن، شوهر من میگه نمیخواد بره من نمیتونم پول مهدش بدم. حالم خیلی بده. هملش به پسر من نگاه میکنم و گریه میکنم. مسئولین بدونن ما هم خدایی داریم، خدای پسر منم بزرگه.

سلام، تکلیف یافت فرسوده قلعه آبکوه مشهد کی روشن میشود؟ لطفاً یکی پیدا بشود، یک جواب درستی بدهد. شده محل زندگی معتادین و بهداشت صفره و دزدی هم زیاد انجام میشه.

باسخ دهیار روستای علی‌آباد به گلایه مخاطب قدس در خصوص عدم دریافت امتیاز انشعاب‌های مورد نیاز منزل در این روستا

باسلام، به اطلاع می‌رساند منازل مذکور به این دلیل که در محدوده مسکونی قرار ندارند و خارج از بافت روستا محسوب می‌شوند یا به صورت غیرمجاز ساخت و ساز کرده‌اند، امکان استفاده از خدمات دهیاری و دریافت امتیازها و انشعاب‌ها را ندارند.

سلام و عرض ادب، میخوام بدونم چه کسی مسئول دهک‌بندی یارانه است؟ عمو ی بنده ۱۰ تا منزل مسکونی، دو تا مغازه و یک انبار داره و حداقل ماهی ۲۰۰ میلیون تومن اجاره میگیره و دهکشت هفت بوده و الانم شده پنج؛ ولی پدر بنده نه خونه داره، نه مغازه و نه پول. فقط یک ماشین شاید ۱۵۰ میلیون تومنی داره و دهکشت شده ۱۰ حتی خونه‌ای که ساکنه اجاره‌ای هست و یارانه‌اش رو هم قطع کردند. این چه عدالتیه؟ همسایه بنده تربلی داره، خونه داره و توی بهترین منطقه شهر باغ داره؛ ولی هنوز یارانه میگیره. واقعاً شما بگید این چه عدالتیه که همه پولدارها یارانه میگیرن، بی پول‌ها یارانه شون قطع میشه؟

سلام، وقتتون به خیر. ببخشید یک رسیدگی به امتیاز آب و گاز برای روستای علی‌آباد بکنید. به خدا از بی امتیازی گاز و آب هر روز باید بریم پیش دهیاری و شورا. بعضی کوچه‌ها مخصوصاً سلیمانی امتیاز نداریم. سخته امتیاز نمیدن. اذیت میکنن.

سلام، خسته نباشید. خواستم بگم آیا واقعاً توی کشور ما مسئولی با تمام وجودش برای مردم کار میکنه؟ این همه گرونی و بیچارگی نه میشه دکتر بری، نه میشه میوه بخوری، نه میشه گوشت بخوری و نه حتی برنج. واقعاً این قدر سخته تلاش کتن برای آسایش مردم؟

از این همه تورم خسته شدیم، چهار تا بچه دارم، چطورمی باید شکمشون رو سیر کنم؟ خرج شکمشون از یک طرف، رخت و لباسشون از یک طرف، اینکه مدرسه هم هر روز یک برنامه‌ای میریزه از یک طرف، کرایه خانه از یک سمت دیگه. هر روز شرمندۀ زن و بچه هستیم، چرا دولت به فکر ما قشر ضعیف نیست؟

مدرسه‌ها هر ماه از ما پول میگیرن و به بچه‌ها درس نمیدن. پسر من کلاس دوم دبستان هست. معلم درس نمیده و کتاب‌های ریاضی و نگارش رو میاره خانه حل میکنن. پس چرا مدرسه میرن؟ فقط میرن که معلم‌ها حقوق بگیرن؟ مدیر مدرسه که همش پول میگیره و میگه آموزش و پرورش گفته، من مستاجر هستم. باید از کجا پول بیارم؟

در باب تبدیل وضعیت نیروهای شرکنی لطفاً به مسئولان بگویید نزدیک به یک سال از شروع دولت جدید می‌گذرد و ملت را کلافه کردید.

بعد از آن چنته سال جور جور شده بریم کربلا، اما ارز مسافرتی رو دولت ۲۵ هزار تومن گران کرد. صاحب کاروان میگه به جای ۱۹ میلیون تومان هزینه سفر، باید ۲۳ میلیون تومن دیدید برای سفر. آخه یک دفعه دلار مسافرتی از ۷۶ میشه ۱۰۱ هزار تومن؟

خواهش میکنم این رو انتشار بدید، ما توی روستا زندگی میکنیم و دور از مشهد. چرا به خاطر هوای آلوده مشهد، روستاهای دور از شهر رو هم تعطیل میکنن؟ چرا منطقه هفت‌گانه تبادکان رو تعطیل میکنن؟

سلام، این همه گرانی و حقوق‌های کم یک طرف، یک مشکل دیگه گریبان ما راننده‌ها را هم بی دلیل میگردد. جدیداً دور هر میدان پر تردد را ما موران راهنمایی البته سرباز وظیفه با یک خودکار و یک برگ کاغذ گرفتن و بی دلیل شماره‌ها را یادداشت میکنن. برگه جریمه هم بی دلیل میتویسن. چطور وقتی دور یک میدان چراغ قرمز نیست، باید برای رعایت نکردن آن جریمه شویم؟

سلام، الان ما واتی‌ها آن قدر از دست شهرداری مشهد اذیت میشیم که خدا میدونه، حتی اگه

شهیدان دانش آموز، قهرمانانی هستند که از ابتدای مبارزات انقلاب تا همین چند ماه پیش، آزادی را مشق کردند

شهدای دانش آموز؛ اسطوره‌های تمام‌نشدنی



شب‌ها در راه و ترابری نگهبانی می‌داد و روزها در دبیرستان مشغول تحصیل بود. پنج روز آخر خرداد آن سال را نتر کرده بود. روزه بگیرد تا پدرش اجازه رفتن به جبهه را به او بدهد. پس از اینکه از پدرش اجازه گرفت، خیلی خوشحال شد و از شادی گریه می‌کرد. یورسانان خاطر نشان می‌کنند: در مدتی که به جبهه رفته بود، ابتدای همه‌نامه‌هایش «السلام علیک یا علی بن موسی الرضا(ع)» می‌نوشت. در نامه آخرش نوشته بود من به شهادت می‌رسم و وقتی تلفنی با او صحبت کردم و پرسیدم «کی برمی‌گری؟» گفت: «می‌آیم». گفتیم: «با چه وسیله نقلیه‌ای می‌آیی؟» جواب داد: «احتمالاً با یک جعبه چوبی برمی‌گردم». همان هم شد و بالاخره پس از دو ماه و ۱۱ روز حضور در جبهه با سمت آربی‌جی زن در بلندی‌های ال‌عاکبر به شهادت رسید.

این مادر شهید بیان می‌کند: پسر من متولد دوم شهریور ۱۳۴۴ است و در ۱۱ شهریور ۱۳۶۰ به شهادت رسید. آن زمان هنوز به رزمندگان پلاک نمی‌دادند. به همین خاطر مرتضی بدون پلاک به شهادت رسید و هیچ چیزی از پیکرش برنگشت. از این رو معقود الجسد است. حضور پسر من در منزل ما ساری و جاری بوده و واقعاً شاهد است. او در همه مشکلات زندگی با حضور معنوی اش به ما کمک می‌کند.

دخترم محدوده بسیار عاقل، فهیمه و منطقی بود

به همین حوالی برمی‌گردیم؛ به چند ماه پیش که دشمن صهیونیستی دوباره شیبور جنگ را در ایران نواخت و بیش از هزار نفر از هموطنانمان را در این نبرد ۱۲ روزه از دست دادیم. در میان این ستاره‌ها، استان خراسان رضوی چهار شهید دانش آموز داشت که در ادامه به گوشه‌ای از داستان زندگی سه تن از آن‌ها می‌پردازیم.

زهرار مصباح، همسر شهید حجت‌الاسلام احد اقدسی و مادر شهیدان محدده و محمدرضا اقدسی است. او که به گفته خودش لحظه به لحظه قلبش از یاد و خاطرات عزیزانش در فشار قرار دارد، درباره روز آغاز جنگ ۱۲ روزه می‌گوید: سحر بیدست و سوم خرداد همسر و فرزندانم شهید شدند و چون ما جزو اهداف اولیه دشمن بودیم، خیلی سهگین، سخت‌وسگین بود. در آن لحظات نخست صدای خیلی مهبیی آمد، من در اتاق حبس شدم؛ چون دوسوم اتاق پایین ریخته بود و من به آن گوشه اتاق که سالم مانده بود، پرت شدم. به همین خاطر سالم بودم. دوستان من را نجات دادند و بیرون آمدم. امیدوار بودم همان‌طور که من از زیر آوار خارج شدم، همسر و فرزندانم را هم سالم بیرون بیاورند؛ اما هرچه انتظار کشیدیم، نشد تا صبح شنیه که خبر دادند بدن‌های مطهرشان را از زیر آوار پیدا کرده‌اند.

مادر شهیدان اقدسی در مورد دختر نوجوان خود بیان می‌کند: دخترم محدده بسیار عاقل، فهیمه و منطقی بود. خیلی با هم گفت‌وگو می‌کردیم و این صحبت‌ها هم همیشه نتیجه داشت؛ چون محدده خیلی فهیمه و با کمالات بود. با وجود اینکه ۱۳ سال داشت و در سن بلوغ بود اما من مسئله‌ای با عنوان بحران نوجوانی را در مورد او اصلاً تجربه نکردم.

او ادامه می‌دهد: تک بار به محدده گفتیم: «چادر، حجاب برتر است؛ اما تو مجبور نیستی چادری باشی. اگر دوست داری می‌توانی به جای چادر، حجاب کامل دیگری را انتخاب کنی». چون نگران بودم

فریده خسروی در سراسر تاریخ ایران اسطوره‌های تاریخی کم نداریم؛ برخی گمان می‌کنند این اسطوره‌ها فقط مربوط به گذشتگان است و دیگر تکرار نمی‌شود؛ اما حقیقت این است شخصیت‌های اسطوره‌ای که تمدن‌های تازه تأسیس برای خود می‌تراشند، برای مردم ایران به خاطره‌ای حقیقی تبدیل شده که گاهی موجب می‌شود در روزمرگی‌ها کمتر به چشم بیایند. به همین خاطر نیاز است، دستی روی داستان زندگی قهرمانان یکشیم و غبار فراموشی را از آن‌ها بزداییم.

دانش آموزان شهید از همان قهرمانانی هستند که گاهی از بزرگان خود هم پیشی گرفته‌اند و رسم‌دلدادی و عاشقی را با همان سن کم به گونه‌ای رقم زده‌اند که همگان با شنیدن قصه‌شان انگشت به دهان مانده‌اند؛ نوجوانانی که در لوح کودکی کردن‌ها، فکرشان بزرگ بوده و به ظاهر پا در زمین داشتند؛ اما دل به آسمان بسته بودند. در خراسان رضوی نیز تعداد این ستاره‌های پر فروغ از ابتدای مبارزات انقلابی مردم در سال ۵۷ تا چند ماه پیش ۲ هزار و ۸۸ شهید بود؛ اما پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با رژیم سفاک صهیونیستی، چهار شهید دانش آموز دیگر به این تعداد افزوده شد. به مناسبت سالگرد شهادت شهید محمدحسین فهیمه‌روز سیسج دانش‌آموزی به سراغ خانواده چند شهید دانش آموز رقیم تا قصه این قهرمانان نوجوان وطن را از زبان نزدیکانشان بشنویم.

شهید نوجوانی که برای گرفتن رضایت پدر، پنج روز روزه گرفت

اختر یورسانان، مادر شهید مرتضی جرمچی اول است؛ شهیدی که در ۱۶ سالگی با دست‌کاری فتوکپی شناسنامه‌اش، در جبهه‌های جنگ هشت ساله حضور پیدا کرد. او درباره فرزند شهیدش می‌گوید: مرتضی فرزند اولم و خیلی مهربان و با عاطفه بود. از ۱۳ سالگی وقتی هنوز به سن تکلیف نرسیده بود، در نماز جماعت مسجد محله شرکت می‌کرد و روزه می‌گرفت. در دوره راهنمایی، معلمش شهیدحسین آستانمیرستید این شهید خیلی درخشان، اخلاق و منش مرتضی تأثیر گذاشت.

مادر شهید جرمچی درباره خواب مرتضی پیش از شهادت بیان می‌کند: زمانی که امام خمینی (ره) هنوز در پاریس اقامت داشت و به ایران نیامده بود، پسر خواب دید به خدمت امام (ره) رسیده و پس از اینکه دست امام را بوسیده، امام خمینی (ره) چند شکلات در دست مرتضی گذاشته است. معلمش شهید آستانه‌پرست در خواب به او گفته بود قدر این‌ها را بدان؛ چرا که این‌ها به ظاهر شکلات است؛ اما در حقیقت بوستان پرگلی بوده که امام به تو داده است. وقتی این خواب را برایم تعریف کردند من هم بی‌اختیار تعجب کردم و گفتم: «اینکه گفته‌اند این‌ها بوستان پرگلی است، احتمالاً در جریان انقلاب، توبه شهادت می‌رسی». مرتضی با شنیدن این تعبیر خیلی خوشحال شد و اشک ریخت و از خدا سپاسگزاری کرد. پس از آن بود که عاشق شهادت شد و به دنبال شهید شدن می‌گشت. یک پارچه سفید را هم همیشه دور گردنش می‌انداخت که روی آن نوشته شده بود: «آماده شهادت».

او با بیان اینکه مرتضی حضور فعالی در تظاهرات‌های پیش از انقلاب داشت و پس از هر تظاهرات وقتی به خانه می‌آمد، به من می‌گفت «دیدید گفتید شهید می‌شویم؛ اما شهید نشدم». می‌افزاید: زمانی که جنگ تحمیلی آغاز شد، پسر من سال دوم دبیرستان بود. یک سال

خبر

با حضور قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی انجام شد

بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی آستان قدس در سرخس با اعتبار ۱۰۰ میلیارد تومان

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی گفت: تأکید تولیت معزز آستان قدس رضوی نسبت به رسیدگی به مناطق بوقوفه‌دار به‌ویژه شهرستان سرخس، تاکنون افزون بر ۱۰۰ میلیارد تومان پروژه‌های اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی در این شهرستان به بهره‌برداری رسیده است.

به گزارش آستان‌نیوز، مصطفی فیضی در آیین بهره‌برداری و آغاز عملیات اجرایی پروژه‌های اجتماعی، عمرانی و زیرساختی این آستان مقدس که صبح‌روز گذشته با حضور محمدحسین استاد آقا، مدیرعامل بنیاد کرامت رضوی، احسان قاضی‌زاده هاشمی، نماینده مردم سرخس و فریمان در مجلس شورای اسلامی و جمعی از مسئولان استانی و آستان قدس رضوی در شهرستان مرزی سرخس برگزار شد، ضمن قدردانی از توجه تولیت معزز آستان قدس رضوی به شهرستان‌های موقوفه‌دار اظهار کرد: نخستین سفر رسمی آیت‌الله مروی به شهرستان‌ها، بنا به تأکیدات رهبر معظم انقلاب در توجه به مناطق موقوفه‌دار، بهمن ماه سال گذشته‌و از همین شهرستان سرخس آغاز شد.

وی افزود: به زودی با تشکیل هیئت مدیره جدید، مطابق با ضوابط و اساسنامه‌های مناطق آزاد تجاری، مدیرعامل منطقه آزاد معرفی و بدون هیچ مشکلی، ابلاغ خواهد شد.

پیگیری جدی مشکل جاده سرخس-مشهد

قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی همچنین در خصوص حل مشکل محور سرخس به مشهد ابراز کرد: اجرای جاده سرخس - مشهد بر عهده دستگاه‌های اجرایی است و ما نیز به سهم خود، پیگیر تسریع در اجرای این پروژه ملی خواهیم بود.

فیضی اظهار کرد: آستان قدس رضوی آمادگی دارد پیگیری‌های لازم برای رفع محدودیت‌های محدوده شهری و عشکلات زمین در سرخس را انجام دهد و با همراهی دستگاه‌ها، این موضوع نیز حل و فصل خواهد شد.

وی گفت: این اقدام‌ها، آغاز راه خدمت‌رسانی در سرخس است که امیدواریم با همکاری مسئولان محلی، این مسیر با قوت و قدرت ادامه یابد تا هر روز خبرهای خوش‌تری به مردم اعلام شود.